

## دلارزدایی و ابعاد آن در مراودات تجاری ایران و روسیه / احسان رسولی نژاد



در دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه (10 آبان 1396)، مسئله مقابله با تحریم های خصمانه آمریکا از طریق سیاست هایی همچون حذف دلار از مراودات اقتصادی دو کشور و جایگزینی آن با ارزهای ملی در معاملات مالی دو جانبه و چند جانبه مطرح شد.

آران نیوز- در دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه (10 آبان 1396)، مسئله مقابله با تحریم های خصمانه آمریکا از طریق سیاست هایی همچون حذف دلار از مراودات اقتصادی دو کشور و جایگزینی آن با ارزهای ملی در معاملات مالی دو جانبه و چند جانبه مطرح شد. پیشنهاد رهبر معظم انقلاب در این باره و پیشینه تلاش روسیه در زمینه مراودات تجاری این کشور با ارزی غیر از دلار و همچنین مذاکره روسیه با قدرت برتر اقتصادی جهان یعنی چین در این زمینه، نشان دهنده عزم جدی روسیه در تضعیف سلطه دلار بر تجارت خارجی این کشور می باشد. در این نوشتار سعی می شود تا از زوایای مختلف به مسئله حذف دلار از مراودات تجاری و ابعاد گوناگون آن علی الخصوص در تجارت خارجی ایران و روسیه پرداخته شود.

نکته اول که می بایست بدان اشاره شود، تاریخ و علت تسلط دلار آمریکا بر تجارت جهانی می باشد. زمان شروع تسلط دلار آمریکا به عنوان ارز مرجع جهانی در مراودات بین المللی به پیدایش سیستم برتون وودز در سال 1944 میلادی بر میگردد زمانی که 43 کشور جهان به همراه آمریکا در نیوهامپشایر جلسه ای پیرامون نظام پولی بین المللی

پس از جنگ جهانی دوم تشکیل دادند که سه دستاورد مهم داشت. تشکیل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دو دستاورد مهم و دیگری ایجاد نظام پایه طلا-دلار بود که براساس آن دلار آمریکا براساس طلا تعریف می شد و تمام ارزهای ملی کشورهای جهان برحسب دلار تعیین می شدند. این جلسه آغاز سلطه دلار بر مراودات تجاری جهانی بود که کشورهای جهان وارد بازار جهانی عرضه و تقاضای این ارز شدند و در سید ارزی بانک مرکزی شان سهم دلار آمریکا روز به روز سهم بیشتری یافت. دومین علت اصلی افزایش تسلط دلار در مراودات جهانی تجاری یا به بیان دیگر گره خوردن بیشتر اقتصاد کشورها با این ارز، توافق عربستان سعودی و آمریکا در سال 1973 میلادی بر قیمت گذاری نفت خام صادراتی عربستان به دلار آمریکا می باشد. پس از آن در سال 1975 میلادی اعضای اوپک که موثرترین بازیگران آن زمان در بازار جهانی نفت بودند توافق کردند که نفت خام را با دلار معامله کنند و چون در آن زمان حجم معاملات نفت خام در جهان بیش از سایر کالاهای اقتصادی بود، تقاضای موثر از دلار آمریکا روز به روز افزایش بیشتری یافت و در نتیجه تسلط دلار بر تجارت جهانی بیشتر و بیشتر شد.

نکته دوم توضیح علل تمایل برخی کشورها بالاخص اقتصادهای در حال توسعه به سمت کاستن سهم دلار آمریکا در سید ارزی بانک مرکزی شان می باشد. به این فرآیند در ادبیات علم اقتصاد، دلار زدایی (De-dollarization یا به زبان روسی) می گویند. کشورهایی که به دنبال توسعه این سیاست در اقتصاد خود می باشند به سه دسته قابل تقسیم بندی می باشند. کشورهای در حال توسعه که پس از سال 2008 میلادی به دلیل شوک ارز دلار از محل بحران مالی آمریکا و اروپا، به فکر با ثبات سازی محیط اقتصاد کلان خود افتادند. یک مثال در این گروه، کشور ترکیه می باشد که پس از سال 2008 میلادی تلاش های بسیاری برای کاهش سهم دلار در حجم تجارت خارجی خود نمود تا از تجربه مجدد شوک و نوسانات شدید یکباره این ارز همچون سال 2008 میلادی دور شود. دسته دوم، کشورهای هدف تحریم های آمریکا همچون ایران و روسیه می باشند تا از طریق دلار زدایی هم مقاومت اقتصاد خود را نسبت به شوک های برونزای این ارز افزایش دهند و هم با کاهش وابستگی خود به ارز این کشور، در روند بی اثر کردن یا کم اثر کردن تحریم های آمریکا قدم مثبتی برداشته باشند. سومین گروه که تنها یک عضو برای آن وجود دارد، کشور چین می باشد که به عنوان رقیب اقتصادی آمریکا در جهان، به دنبال گسترش کاربرد ارز خود در مراودات تجاری به جای دلار آمریکا می باشد. با توجه به رشد اقتصادی پیوسته این کشور در دهه گذشته و ثبات بیشتر اقتصادی آن نسبت به اقتصاد آمریکا، این کشور وضعیت حال را فرصتی جهت اخذ سهم بیشتر از بازار جهانی ارز جهت انجام مراودات تجاری و سرمایه گذاری می بیند.

از بین این سه گروه، ایران و روسیه در گروه دوم قرار گرفته اند که هم درآمد بودجه ای شان وابسته به دلار است و هم قیمت گذاری انواع نفت خام صادراتی شان براساس این ارز مشخص می شود. حذف دلار از مراودات و همکاری های تجاری این دو کشور نیاز به برنامه ریزی و ایجاد ساز و کارها و زیرساخت های درست دارد. اگر این دو کشور بتوانند به این هدف دست یابند، نقطه آغاز بسیار خوبی در کم اثر سازی شوک های برون زا همچون شوک ارزی و یا شوک تحریم های اقتصادی می باشد. اما مطمئناً کشوری که تراز تجاری قوی تری نسبت به دیگری دارد، پول ملی اش در مراودات تجاری با ارزش تر و مسلط تر خواهد شد. پس در کنار نفع کم اثرسازی تحریم ها، ایران که وارداتش از روسیه حدود 7 برابر صادراتش به این کشور می باشد، در صورت حذف دلار از تمام حجم تجارتش با این کشور و استفاده از ارز محلی، در آینده ای نزدیک دارای سید ارزی با سهم بیشتر روبل نسبت به زمان حال خواهد شد که برای مصرف آن تنها می بایست با کشور روسیه مرادده داشته باشد. پس نکته مهمی که در صورت اجرای این سیاست در مراودات تجاری ایران و روسیه بوجود می آید گره بیشتر واردات ایران از روسیه خواهد بود که بدلیل کاهش سهم دلار در ذخایر ارزی خود، هزینه تجارت فعالان اقتصادی ایران با کشورهای دیگر جهان که سیستم بین المللی شان برپایه دلار می باشد، افزایش چشمگیری می یابد.

در این مورد می توان به مثال صحبت های روسیه و چین در مورد حذف دلار و رسیدن به مراودات بر پایه روبل-یوان اشاره داشت. سهم یوان در تجارت جهانی بیش از سهم روبل می باشد. از این رو، روسیه در صورت رسیدن به این هدف، می تواند علاوه بر چین، با کشورهایی که در سبد ارزی خود یوان چین را قرار داده اند نیز مراودات تجاری بدون دلار یا با سهم اندکی دلار به انجام برساند که خود اثر مهمی بر تضعیف نقش دلار امریکا حداقل در منطقه آسیا و اروپای شرقی خواهد داشت و هم موجب تسلط بیشتر یوان چین بر تجارت جهانی خواهد شد. دومین مساله آن است که قیمت گذاری نفت خام این دو کشور در بازار جهانی برپایه ارز دلار تعیین می شود. از این رو، کنار گذاشتن سهم دلار از تجارت خارجی برای این دو کشور کمی مشکل می باشد. این دو کشور براساس ذات ساختار نفتی خود، متاثر از شوک برونزای دلارهای نفتی خواهند بود که روش های کاستن آن، افزایش سهم صادرات غیر نفتی و استفاده بهینه از صندوق های ذخایر ارزی (صندوق ذخیره ارزی ایران در سال 1379 شمسی بوجود آمد و چنین صندوقی در روسیه در سال 2004 میلادی بوجود آمد که تحت بحران مالی جهانی در سال 2008 میلادی جهت بهینه سازی مصرف آن به دو صندوق ثروت ملی روسیه و صندوق ذخیره تقسیم شد) می باشد. از این رو، انتظار می رود که دو کشور علاوه بر ادامه دادن سیاست دلارزدایی، به سمت سیاست بهینه تر سازی استفاده از دلارهای نفتی و توسعه اقتصاد غیر نفتی شان نیز بروند که به بی اثر سازی تحریم های غرب و بازی های ناعادلانه کشورهای هم چون عربستان سعودی در بازار نفت کمک خواهد کرد.

سومین نکته نقش بانک های مرکزی در حمایت از فعالان اقتصادی خصوصی و تسهیلات اعطای وام ارزهای محلی و ساز و کار پرداخت های بین المللی در این زمینه می باشد که انتظار می رود در آینده شاهد جلسات بیشتر کارشناسان بانک های مرکزی دو کشور جهت کاستن نقش دلار در مراودات تجاری باشیم. نکته دیگر قابل طرح در این زمینه، وابسته شدن بیشتر ایران به شرایط سیاسی- اقتصادی روسیه به دلیل حجم بالای صادرات از این کشور (به دلیل حجم واردات کم روسیه از ایران چنین مساله ای قابل اغماض است) می باشد. اگر اقتصاد روسیه دچار بحران یا چالش سیاسی- اقتصادی شود بر عرضه و تقاضای روبل تاثیر منفی خواهد گذاشت که اثرات منفی آن برای اقتصاد ایران خواهد بود. از این رو، بحث افزایش اثرات تلاطم های اقتصادی سیاسی کشور روسیه بر سیستم مراودات تجاری بر پایه ارزهای ملی می بایست توسط کارشناسان نیز مورد توجه قرار گیرد. نکته آخر، بحث ارزش گذاری روبل-ریال می باشد که معیار جهانی آن ارز دلار می باشد. اگر در محاسبه ارزش این دو پول نسبت به یکدیگر ساز و کار دیگری ایجاد نشود، در واقع تنها به صورت مصنوعی در مراودات تجاری دلار حذف می گردد.

در مجموع می توان به مثبت بودن نتایج حذف دلار از مراودات تجاری کشورهای ایران و روسیه در کم اثر سازی تحریم های غرب و افزایش ثبات اقتصادی دو کشور تاکید نمود. حتی به مثبت بودن اضافه شدن اقتصاد چین به این مورد به عنوان یک قدرت رو به رشد اقتصادی در جهان نیز می توان اشاره کرد. اما نحوه اجرا و ساز و کارهای سیاست دلار زدایی می بایست به گونه ای باشد که نتایج مثبت آن بیش از نتایج منفی باشد تا برآیند مطلوب و سازنده ای برای اقتصاد کشورهای تحت تحریم داشته باشد. نکاتی که در متن این نوشتار به آنها اشاره شد محل بحث های آینده در این زمینه بوده و می بایست توسط مدیران و کارشناسان بانکی مورد تحقیق و مذاکره با طرف های تجاری قرار گیرد.

منبع: ایراس